

به معلمان و دانش آموزان شهرهای کردستان

به حمایت از اعتراضات معلمان تهران، اصفهان و... برخیزید!

فراخوانهای: رحمان حسین زاده، مظفر محمدی و فاتح شیخ الاسلامی

صفحه ۲



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن اختیار
به انسان است.

منصور حکمت

تدارک حرکات وسیعتر

صورت مساله و جواب

درماندگی جمهوری
اسلامی، کمدی
جمهوریخواهان،
اعتراض کارگران و
معلمان



عبدالله شریفی

abe_sharifi@yahoo.com



حسین مرادیگی

قدرت مردم و کابوس مرگ حکومت دینی

صفحه ۷



عبدالله دارابی

گزارشی از سندج ابتکاری قابل تحسین از مبارزه با اعتیاد

صفحه ۵

از سکولاریسم دول اروپائی تا حجاب اسلامی

سکولار "کشورهای اروپایی به ابتدایی ترین حقوق پایهای شان که در قوانین اساسی این کشورها آمده است، به بهانه "نقض حقوق بشر، آزادی پوشش، آزادی به اجرا در آوردن مراسم و مناسک مذهبی" وارد دور تازه ای شده است. موج برگشت اسلام سیاسی و استفاده از سمبلهای تحقیر و توهین نظیر حجاب اسلامی و بیرون کشیدن عقاید ارتجاعی زیر عنوان آزادی از تاریخخانه های قرون، و دمیدن در بوق و کرنای "دفاع از حقوق مسلمانان و اسلام"

صفحه ۸



نسرین رمضانعلی
pramzanali@yahoo.de

تحركات سياسى احزاب و جريانات اسلامى بر عليه آنچه كه اين جريانات ارتجاعى و ضد زن "تعرض دولت هاى لاتيك و

این روزها بار دیگر اخبار مربوط به ایران به صدر اخبار میدیای غرب رانده شد. نباید فکر کرد به خاطر این بود که میخواستند، اخبار مبارزات مردم ایران را منعکس کنند، یا ادامه سرنوشت مصیبت زدگان فاجعه بم را تعقیب کرده باشند، نه! میدیای خط دار و ایدئولوژیک حواسش را از دست نداده است. قرار نیست دوربینها بر مبارزات مردم در خیابانها و مدراس و دانشگاه و کارخانه زون شود. اینها هیچ وقت نخواسته اند

صفحه ۳

تجمعات اعتراضی کارگران علیه بیکارسازیها، علیه نپرداختن حقوق معوقه و مزایای کاری و در کل علیه شرایط برده واری که جمهوری اسلامی و کارفرمایان بر طبقه کارگر در ایران تحمیل کرده اند، همچنان ادامه دارد. حرکت اعتراضی کارگران پتروشیمی وارد دومین ماه خود شده است، همچنین اعتصاب و اعتراض کارگران کارخانه های

صفحه ۶

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر-۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹
به وقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت:
www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:
سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیام به معلمان و دانش آموزان سندج!

معلمان مبارز سندج!

به مبارزه سراسری معلمان برای احقاق حقوقتان پیوندید. از اعتصاب معلمین اصفهان حمایت کنید. پا پیش بگذارید و معلمان در سراسر کردستان را به مبارزه فرابخوانید.

کم نیستند در میان شما که حقوق معوقه تان پرداخت نشده، حقوق ماهانه شماها هم مثل همه معلمان کشور کفاف

زندگی خود و خانواده هایتان را نمیدهد. مشکل مسکن کم اکثریت شما را خم کرده است و بسیاری مطالبات دیگر که برایتان فوری و حیاتیست. شکی نیست که دانش آموزان هم مانند اصفهان از مبارزاتتان وسیعاً پشتیبانی خواهند کرد. دانش آموزان عزیز! از مبارزه معلمان برای احقاق حقوقشان

و برای زندگی بهتر حمایت کنید. به معلمانتان برای شروع یک مبارزه پیگیر و موفق دلگرمی بدهید که پشتیبانان هستید. معلمان در مبارزه

شان نه تنها حمایت شما بلکه پشتیبانی خانواده هایتان و کلیه مردم آزادیخواه را خواهند داشت. با شعار، آزادی، برابری پا به میدان مبارزه ای بگذارید که شما و معلمانتان را در یک صف قرار میدهد! با این شعار اعلام کنید که جهانی بهتر و زندگی دیگر را میخواهید. ما با این شعار رژیم اسلامی را به زیر خواهیم کشید.

زنده باد اعتصاب معلمان و حمایت دانش آموزان و مردم!

آزادی، برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی!

مظفر محمدی ۲۷ دی ۱۳۸۲



مظفر محمدی

دوستان!

از روز شنبه ۲۷ دی ماه اعتصاب معلمان در مدارس اصفهان آغاز شده است. معلمین از رفتن به کلاسهای درس خودداری کرده اند و دانش آموزان با شعار، معلم، معلم حمایت میکنیم معلمانشان را وسیعاً مورد پشتیبانی قرار داده اند. تا کنون چند دبیرستان و مدارس دیگر کاملاً تعطیل شده اند. نیروهای امنیتی رژیم اسلامی به حال آماده باش در آمده و میخواهند معلمان مبارز و دانش آموزان پشتیبانان را تحت فشار قرار دهند تا از مبارزه شان دست بکشند. با وجود این، خبر پیوستن دبیرستانها یا مدراس دیگری به این اعتصاب هر لحظه در سطح شهر پخش میشود و موجب دلگرمی همه مردم شده است. مردم در حمایت از اعتصاب معلمین چراغ ماشینهای خود را روشن میکنند. دانش آموزان مبارز دیوارهای بیشتر مدارس شهر را با شعارهای آزادی، برابری پوشانده اند. مردم نشان میدهند که خواستهای معلمین برای زندگی بهتر و انسانی تر خواست آنها هم هست.

به معلمان مبارز در شهرهای کردستان: به اعتصاب معلمان تهران و اصفهان و...

پیوندید



فاتح شیخ الاسلامی

از امروز شنبه ۲۷ دی ماه بخشهایی از معلمان مبارز در تهران و اصفهان و شهرهای دیگر ایران دست به اعتصاب زده اند که این اعتصاب تا سه روز ادامه خواهد یافت. معلمان خواهان افزایش حقوق، رفع تبعیض، ایجاد تسهیلات برای تامین مسکن و بیمه های درمانی هستند. این چندمین بار است که معلمان برای این خواستهای ابتدایی دست به اعتصاب میزنند. اما وزارت آموزش و پرورش رژیم تاکنون از پاسخگویی به خواستهای برحق معلمان طفره رفته است. این بار باید به نیروی یک حرکت سراسری قدرتمند، مسئولان رژیم را در تنگنا گذاشت و راه گریز را بر آنان بست. کشمکش جاری دارودسته های حاکم، کل رژیم را در برابر این مصاف معلمان، در موقعیت دشوارتر و شکننده تری قرار میدهد. اعتصاب معلمان شایسته گرمترین و گسترده ترین پشتیبانی است.

معلمان مبارز شهرهای کردستان! با تکیه بر سنت های قوی مبارزاتی تان، صفوف این مبارزه عادلانه را سریعاً تقویت کنید. به معلمان تهران، اصفهان و شهرهای دیگر ایران پیوندید و با برپا کردن یک اعتصاب متحد و سراسری، رژیم را به قبول خواسته های تان وادارید. این روزها، روزهای حساس و مهمی هستند؛ چپاولگران حاکم بر سر سهمشان از حاصل کار و زحمت کارگران و معلمان و محرومان جامعه به جان هم افتاده اند. در چنین شرایطی، اعتصاب و مبارزه متحد

فراخوان دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به معلمان در کردستان



خواستها و در همبستگی با مبارزات اخیر معلمان به میدان بیایید. ابتکارات و تجارب گذشته مبارزات معلمان در شهرهای کردستان را به دست بگیرید. در صف متحد و محکم اعتصابات و اقدامات اعتراضی خود را شروع کنید. قطعنامه ها و پیامهای همبستگی با مبارزات شهرهای دیگر را صادر کرده و گسترش وسیع این مبارزه را تضمین کنید. رژیم جمهوری اسلامی از هر زمانی ضعیف تر و وسیعتر مورد اعتراض و تنفر مردم است. شکافهای درونی آن بیش از پیش سرباز کرده و توانایی مقابله با مردم و اعتراضات سراسری معلمان را ندارد. پیوستن شما به این مبارزات، حلقه مهمی در سراسری کردن جنبش آزادیخواهانه معلمان و به پیروزی رساندن این مبارزات است.

بیشک مبارزه عادلانه معلمان در سراسر ایران با حمایت دانش آموزان و دانشجویان، کارگران و انسانهای حق طلب جامعه روبرو است و به سهم خود همه مردم آزادیخواه را به حمایت از این مبارزات فرا میخوانم.

رحمان حسین زاده

۲۸ دی ماه ۱۳۸۲

۱۸ ژانویه ۲۰۰۴

اعتصاب معلمان در تهران و اصفهان و بعضی شهرهای دیگر از روز شنبه ۲۷ دی ماه شروع شده است. معلمان خواهان افزایش حقوق، رفع تبعیض، ایجاد تسهیلات برای تامین مسکن، و بیمه های درمانی هستند. مطالبات اخیر معلمان، مطالبه برحق همه معلمان در شهرهای ایران است. صدای رسای معلمان علیه تبعیض، فقر و ستم و برای بهبود زندگی، نه تنها مطالبات معلمان بلکه خواست عموم مردم آزادیخواه ایران را منعکس میکند. اعتراضات یک سال گذشته معلمان و اعتصابات کنونی حلقه مهمی از جنبش آزادیخواهانه برای کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی از سر زندگی مردم است. این جنبش بر حق را هرچه بیشتر باید تقویت کرد و گسترش داد.

معلمان مبارز در کردستان! مطالبات اعتراضات چند روز اخیر، مطالبات شما نیز هستند. برای تحقق این

در سایت منصور حکمت، آثار و نوشته های او را بخوانید، به سخنرانیهایش گوش دهید، مطالب نوشتاری و صوتی و ویدئوئی را پیاده کنید و به دریائی از دانش و آگاهی و علم و سوسیالیسم و ادبیات کمونیسم کارگری مسلح شوید. در این آدرس:

<http://www.m-hekmat.com>

یا:

<http://www.rowzane.com>

ما در صفوف حزب کمونیست کارگری ایران، مانند همیشه، از اعتصاب معلمان و خواستهای عادلانه شان با تمام توان پشتیبانی میکنیم و همه مردم مبارز و آزادیخواه بخصوص دانش آموزان را به حمایت قاطع از این اعتصاب فرا میخوانیم.

۲۷ دیماه ۱۳۸۲

مصاحبه با رویا مسعودی از فعالین جنبش زنان در ایران

ایسکرا: قبل از هر چیز بعنوان یک زن در ایران تحت حاکمیت یک رژیم اسلامی چه احساسی دارید و تجارب و مشاهداتتان از زندگی زنان به شما چه میگوید؟

رویا مسعودی: اگر صرفاً احساس باشد بعضی وقتها آرزو میکنم کاش زن نبودم، اما فوراً یاد میاید که در سایه این رژیم حال و روز مردها هم تعریفی ندارد. باید زن بود و در ایران زندگی کرد تا فهمید که جنس درجه ۲ بودن یعنی چه، و فهمید که

تبعیض جنسی و تحقیر زن چه معنایی دارد. احساسی که از زندگی در چنین فضایی به آدم دست میدهد از طرفی ناامیدیست و از طرف دیگر تلاش و امیدواری برای گسستن زنجیرهای این اسارت. تجربه عینی من مثل هر زن دیگر در ایران، بیان این واقعیت تلخ است که شرایط موجود آزادی و استقلال و حتی حق زندگی ابتدایی انسانی را از ما گرفته و ما زنان نصف این جامعه بزرگ از یک زندگی نرمال و عادی

محروم شده ایم. فکرش را بکنید، ساهاسات تمام دستگاههای یک رژیم ضد زن کار میکنند تا از زن موجودی ضعیف، درجه ۲، تحت تسلط مرد و وابسته و منفعل بسازند. کاری کرده اند که زن در این مملکت در هر مقام و موقعیت اجتماعی و هر میزان از تحصیلات، هیچ گاه نباید فراموش کند که یک زن و یا به تعبیری ضعیفه است، دختر یک خانواده و تحت امر و فرمان برادر و پدر است و یا همسر مردی است. یا حتی اگر مادر است سنگ زیرین آسیاب است و باید صبور باشد و همه چیز را تحمل کند. در اینجا زن ناموس یک مرد است صرف نظر از اینکه این مرد

برادر، پدر و یا شوهر است. آزادی پوشش، ارتباطات اجتماعی و حتی بیرون رفتن از خانه باید با اطلاع و اجازه مردی باشد. در سیستم سنتی و فرهنگ ارتجاعی و اسلامی، استقلال و آزادی زن یعنی ولگردی و بی بند و باری، و این حتی در انتخاب همسر هم بدون رضایت خانواده و فامیل صدق میکند، این شرایط اسفبار حتی نوع و رنگ لباس زنان را هم در بر گرفته است. متأسفانه در بعضی از خانواده ها این جو اختناق و اجبار، حلقه اسارت جوانان و بخصوص دختران را تنگتر میکند، و عملاً آب به سنتهای پوسیده نظام مردسالار



صورت مساله و جواب

(ادامه از صفحه ۱)

پای در این قلمرو ممنوعه بگزارند، بلکه به سیاق همیشه قرار است وظیفه سرسپردگی ادا شود. به همین دلیل باید مجلس اسلامی و نمایش دلقک بازی مشتی خادم رژیم اسلامی، پرسوناژهای تئاتر جدال برای "دمکراسی و حقوق بشر" آنهم در "یک کشور اسلامی" معرفی شوند. این است که مضحکه "انتخابات" مجلس هفتم اسلامی که در راه است، باید دلخواهی به تصویر کشیده شود و به خورد مردم بدهند. اما خوشبختانه این ترفند در مقابل مبارزات مردم ایران برای بزیر کشیدن رژیم اسلامی و بلوغ سیاسی مردم تاب مقاومت ندارد. ببینیم ماجرا از چه قرار است؟ شورای نگهبان رژیم اسلامی، نیمی از ۸۰۰۰ طلبه معمم و مکلا که قرار است پست خادمی دستگاه کشتار و سرکوب اسلامی را برای دوره ای حراست کنند، رد کرده است. در این میان ۸۰ تن از "نمایندگان" دور ششم نیز مشمول بی لطفی نظارت استصوابی واقع شده اند. این عده، بازی "تحصن" در مجلس اسلامی را شروع کردند. با این مساله دور دیگر از نزاع جناحهای درون رژیم اسلامی اوج تازه ای گرفته است. تمام بیا و برو خاتمی و تهدید به استعفای جمعی و تندخویی کروی، در جلسه چند ساعته در بسته یا خامنه ای دود شد و هوا رفت. واقعیت از اول معلوم بود پشت این جنجال مشخص بود که باید

و نفرت مردم میافزاید. مکمل طلبه بازی حول و حوش مجلس اسلامی و بیت امام و حرم آقا، ما را به برلین میبراند. در همین ایام در برلین تعدادی از دوستان قدیم و جدید رژیم اسلامی که از اینجا رانده و آنجا مانده تشریف دارند، با پیشروی مبارزات مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی، پروژه پشت سر پروژه شکست خورده و ناکام، از کفرانان دوران اوج دو خرداد که اگر میگفتی خاتمی ارتجاعی است، عمامه عقب زده او و زیر جامه شسته رفته و عبای نازکش را به رخت میکشیدند، تا جنبه ملی هایی که مدال افتخار حمل خمینی و آوردن بساط آدمکشی اسلامی را بر سرنوشت مردم ایران بر سینه دارند، تا تازه دمکراتهای "خشونت گریز" تمرین دمکراسی، که مردم همه اینها را از سنگر دو خرداد بیرون کشیدند، بلافاصله به فراندوم خواهی رفتند از آنجا به پشت جایزه نوبل خزیدند و... این طیف ملون آبرو باخته که یک سرش توده و اکثریت است و سر دیگرش بقایای جنبه ملی به اضافه جمع ادیب و شعرای ملی اسلامی و هنرمندانشان، این "همایش" را تشکیل میدادند. صف پیشکسوتان فرسوده چنان ازدحامی بوجود آورده بودند که خودشان از عدم شرکت جوانان و زنان شکوه سر دادند. در این "همایش" شق القمر کردند و به این نتیجه رسیدند که هنوز زود است که سیاست "تحريم" را در پیش گیرند. در همین نمایش بود که به کشفیات بزرگ ملی نیز نایل آمدند. دریافتند که نا فرمانی مدنی سنت هزار ساله ایرانیان بوده و از

زمان کاوه آهنگر وجود داشته است. آنچه که میبایست اصلاح شود این بود که این سنت غنی ایرانی هنوز بوی "خشونت" میدهد و بایست به جای (نافرمانی مدنی)، (مقاومت مدنی) استعمال شود. عجب کشف حقیریی!!! این تلاش دوستان رژیم اسلامی هم کارشان به جایی نرسید. قرار بود با این تشریفات به آخوندهای "دمکرات" چرخ سبزی داده باشند. قرار بود غرب و آمریکا را متوجه کنند که اسلام حقوق بشری آمریکا پسند هنوز جای امید است. میخواستند بگویند که "خشونت" ستیزان هنوز استعداد دلالی را دارند... اما بیچاره ها کسی، پارلمانی، ژنرال بازنشسته ای پیدا نشد، یا گوشه چشم به این بازار حراج آدمکهای مومیایی افسون اسلام سیاسی توجه کند! در همان روز دوم تضادها فوران کرد. کسانی چون خانباها تهرانی و دکتر ثباتیان که قرار بود در راس کار باشند، حتی خود را برای "شورای" رهبریشان کاندید نکردند. ...به این ترتیب پرده دوم نمایشی که پرده اولش مضحکه تحصن مجلس اسلامی بود پایان رسید. اما این کل تصویر سیاست در جامعه ایران نیست در مقابل این تحركات، اعتصاب و اعتراض کارگران ایران خودرو، کارگران پتروشیمی، نساجی گیلان و کارگاههای کوچک و بزرگ دیگر، اعتراض دانشجویان معلمان در اصفهان و شیراز و تهران و... قرار دارد. گسترش مبارزات مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی چشم انداز تحولات بنیادی در جامعه ایران کار را به جایی رسانده است که دعوی جناحها و

دست و پا زدن دوستانشان در خارج حکومت خود محصول آن توازن قوای واقعی بین مردم و رژیم اسلامی وجود دارد. جمهوری اسلامی با تمام جناح بندیهایش و یاران ریز و درشتش چه در حاکمیت چه خارج از حکومت برای مردم ایران مساله هستند. مردم معترض ایران جوابشان را در تداوم مبارزه انقلابی برای جارو کردن کل دم و دستگاه آدمکشی اسلامی میداندند. جوابشان آزادی و برابری، برابری زن و مرد، حقوق کودک، حق شهروندی، رفاه، سعادت، آزادی است. تحقق این جواب ها در گرو بزیر کشیدن کل نظام اسلامی است. دامنه بحران حکومتی جمهوری اسلامی با جنگ جناحیهایش به اوج رسیده است. نتیجه هر چه باشد در این شکی نیست که جمهوری اسلامی تضعیف شده تر در مقابل مردم قرار خواهد گرفت. رها شدن از شر مشتی لمپن اسلامی تروویست را باید با حمایت از و همبستگی با معلمان و کارگران در سراسر ایران پیوند داد. معلمان جواب دادند. باید یکپارچه به این جواب پیوست. راه حل واقعی قضیه همین است. اکنون بهترین فرصت برای تعرض بر پیکر ترک خورده دستگاه ترور و جنایت اسلامی است. حزب کمونیست کارگری ایران مصممانه برای رهبری مبارزات انقلابی مردم برای رهایی از هیولای اسلامی در مرکز سیاست ایران است. باید به این حزب پیوست!

۲۰ ژانویه ۲۰۰۴

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

◀ مصاحبه با رویا مسعودی

غیر انسانی که جنسیت انسان مبنای حقوق و انسانیت اوست، نیازهای جنسی یک تابو و گره کوری است که یا باید به فراموشی سپرده و یا به بیراهه کشیده شود. من میدانم که نظام سرمایه داری قربانیان خود را در سرتاسر دنیا دارد. اما اسفبارترین وضعیت را زنان در ایران دارند که علاوه بر قربانی بودن در یک سیستم سرمایه داری زنجیر اسارت خرافه های اسلامی را نیز بر پای دارند.

ایسکرا: با توجه به این شرایط غیر انسانی که بویژه به زنان جامعه ما تحمیل شده است میتوانی بگوئی که اساساً زنان در محافل و جمعهایشان چه میگویند و در خصوص این تبعیض و نابرابریها چگونه اظهار نظر میکنند؟

رویا مسعودی: در این خصوص ما با ۲ گروه اجتماعی متفاوت از زنان روبرو هستیم که هر کدام حرفها و عکس العملهای خود را دارند. دسته اول محافل و جمعهای سنتی زنان هستند که از روی عادت و خودبخودی همواره گرد هم میایند و از همه چیز حرف میزنند. از کلابه از وضع موجود، مشکلات اقتصادی، بیکاری همسر و یا فرزندانشان، تا خشونت‌های خانگی و بالاخره فساد دم و دستگاههای رژیم و سران حکومت و... دسته دوم محافل و جمعهایی هستند که اساساً از دختران و زنان تحصیل کرده و روشنفکر، از دبیرستان تا دانشگاه و کارمندان و معلمان و یا بیکاران این گروه تشکیل میشود. این جمعها آگاهانه و حتی بعضاً هدفمند و سازماندهی شده هستند. در این جمعها که مشخصه اصلی آن حضور تیب نوجوانان و جوانان در فاصله سنی ۱۶ تا ۳۵ سال میباشد، موضوعهای خاص به میان میآیند و هر کس در آن باره اظهار نظر میکند. تا آنجا که من شاهد بودم مباحث زیر در صدر موضوعاتی است که در این جمعها مطرح میشود. برای مثال تبعیض جنسی در خانواده، روابط بین پسر و دختر، چگونه زنان در شرایط تحقیر آمیز کنونی میتوانند اعتماد بنفس خود را حفظ کنند، تفکر مردسالار در جامعه، بحث بر سر فمینیسم، زندگی و موقعیت زنان خانه دار، کارمند، کارگر، تن فروش، اعتیاد دختران و پسران جوان و قید و بندهای ازدواج و طلاق و بالاخره بحثهایی بر سر راههای خلاصی

میدهند، به آن میخندند، مذهب را مسخره میکنند، خدا کیست، نماز چیست، دین چیست مشغله و مسئله شان نیست و به آن فکر نمیکنند. در مدارس معلمهای دینی حال و روز خوشی ندارند. جوانان از غرایز خود پیروی میکنند، مرز حجاب و پوشش اسلامی را شکسته اند، ارتباط پسر و دختر فراوان و هیچ چیز جلودارشان نیست. قبلاً روابط پسر و دختر حتی بین خودشان مسخره میشد، اما حالا برعکس است، اگر روابط نداشتند باشی مسخره میشوند... جوانها راحت تر ازدواج میکنند و راحت تر جدا میشوند. گرچه مساله مهریه و نقدینه ها و هزینه های مسخره دیگر اذیت کن و عامل ترس از انتخاب همسر و یا جدایی است.

روگردانی از پوشیدن لباسهای محلی و سنتی و انتخاب جدیدترین مد لباس و آرایش ظاهری از ویژگی دیگر نسل جوان و نشانه بی توجهی به سنتهای فکری از قبیل ناسیونالیسم کرد در کردستان است.

آموختن وسیع زبان انگلیسی نیز از جمله دهن کچی جوانان به تلاش ناسیونالیسم هم هست که اینجا و آنجا جوانان را به کلاسهای آموزش زبان کردی دعوت میکنند. جوانان با تدارک گروههای مختلف کوهنوردی و دیگر فعالیتهای ورزشی حصار تنگ سنتها را در هم شکسته و دختران و پسران جوان در کنار هم قرار میگیرند و به این وسیله جداسازیهای رژیم را هم زیر پا میگذارند. موسیقی و نوحه خوانیهای سنتی، توجه جوانان را جلب نمیکند. آنها از جدیدترین و مدرنترین موزیک و خوانندگان جدید استقبال میکنند و خود به یادگیری انواع سازهای غربی روی میآورند. دختران در همه این عرصه ها گاه حضوری پررنگتر داشته و پیش میروند تا کهنگی ها را دور بریزند.

ایسکرا: مردسالاری بعنوان تفکر پدیده ای در امر بی حقوقی زنان نقش دارد و آزار دهنده است. رژیم اسلامی آن را تشدید کرده است، به نظر شما مردها چقدر از مردسالاری که قانون هم پشتش را گرفته نفع میبرند، آیا وضع به گونه ای است که زنان مستقلاً راه خود را بروند و به حقوق خود برسند، یا مبارزه علیه مردسالاری هم امر مشترک مردان و زنان است؟

رویا مسعودی: سوال خوبی است، من فکر میکنم کمتر کسانی وارد این موضوع میشوند. بجز فمینیستها که آنهم بسیار سطحی

و یکجانبه برخورد کرده و میکنند. ابتدا باید بگویم که مردسالاری یک پدیده اجتماعی و مولود نظام نابرابری است که زنان را از حقوق برابر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی محروم کرده است. در نظامی که وظیفه اصلی زن کار خانگی و بچه داری و خدمت کردن به مرد و پرورش دادن کارگران فردای سرمایه داری است، نتیجه اش جز موقعیت درجه دو زن در جامعه نیست. به نظر من این مبنای پیدایش مردسالاری است. علاوه بر آن مذهب و خرافات و شرع و سنتهای پوسیده نیز زن را موجودی پایین دست و ضعیف و تحت امر مردان تعریف میکند و این هم باز مبنای دیگر و عامل تشدید و بقای تفکر مردسالار است...

من فکر میکنم تا اینجای قضیه مردان خود نقشی در بوجود آوردن مردسالاری نداشته اند و حتی خود نیز قربانی این نظام و سیستم فکری آن از جمله برتری مرد بر زن اند...

فکر نمیکنم مردان نه در ایران بلکه در جهان نیز از موقعیت برتری که جامعه نابرابر به آنها بخشیده نفعی عایدشان شود. فکر نمیکنم مرد بودن در یک جامعه ای که نابرابری تبلیغ میشود و یا حتی به قانون تبدیل میشود مایه افتخار کسی باشد. اگر حتی در جوامعی مثل ایران، در ظاهر مرد بودن و زن نبودن یک شانس محسوب شود، همانطوریکه در بالا گفتم من هم به عنوان زن در این سیستم پوسیده اسلامی و مردسالار گاهی آرزو میکردم زن نبودم.. اما این احساسی زودگذر و تخیلی پوچ است.

اما ببینیم واقعیت عملی و زمینی مردسالاری در کشوری چون ایران چیست؟ متأسفم که باید بگویم اکثریت مردان در این کشور به تفکر مردسالاری آلوده شده اند، و از این بابت میتوانم بگویم که جمهوری اسلامی در سرکوب زنان و تحمیل تبعیض و آپارتاید و تحقیر روزمره از این آلودگی مردان کمال استفاده را کرده است. حتی اگر فقط بی تفاوتی مردان در مساله پوشش اجباری و جداسازی زنان که همسران و خواهران و مادران خودشان هستند را مثال بیاوریم خود یک دلیل و شاهد روشن بر تاثیر تفکر مردسالار در خدمت به رژیم و اسلام و بخصوص اسلام سیاسی است.

من به عنوان یک زن حق دارم توقع داشته باشم که همسر یا پدر و برادر و یا همکار مدرسه و اداره و یا همسایه و دوستان

مرد دیگرم در کنار من معترض به این شرایط غیر انسانی قرار بگیرند. توقع داشته باشم وقتی جای زن و مرد را در اتوبوس از هم جدا کرده اند نپذیرند و دست همدیگر را بگیریم و سوار اتوبوس شویم بدون اینکه کسی بتواند ما را از هم جدا کند. یا از تمایل و خواست زنان چه در خانواده خود و چه در جامعه و کوچه و خیابان مبنی بر عدم رعایت حجاب و پوشش اجباری حمایت کنند و در کنارشان قرار بگیرند. تصورش را بکنید که مردی دست در دست همسر، دختر، خواهر و یا حتی دوستش در خیابان راه برود در حالیکه حجاب ندارد، یک روسری نازک و قرمز رنگ در انتهای سرش بسته، و لباس خوش رنگ و فرمی به تن دارد و هردو در مقابل هر دخالتی از جانب نوکران رژیم و مرتجعین بایستند و رسوایشان کنند آنوقت فشار بر زنان خیلی زودتر تخفیف مییافت و فکر میکنم جنبش زنان بسیار قدرتمندتر از حالا میبود. در اینجا به قسمت دوم سوال میرسم و خلاصه میگویم که متأسفانه زنان در مبارزاتشان بر علیه حجاب و آپارتاید جنسی که کاملاً سیاسی هم هست اغلب تنها هستند. دلیلش این نیست که همه مردان حجاب و آپارتاید را دوست دارند و یا همه اسیر مردسالاری هستند و زن آزارند، نه، اینطور نیست. بلکه به نظر اکثریت مردان حتی در میان روشنفکران هم این تشخیص سیاسی را ندارند که مبارزه بر علیه حجاب و آپارتاید جنسی زدن خنجر بر قلب اسلامی است که در ایران سیاست و حکومت میکند. این چشم اسفندیار رژیم است. همه این را نمیدانند. اغلب میگویند، ای بابا حجاب به درک ما نان و آب نداریم، آزادی بیان نداریم. زنان و شکنجه و اعدام هست و از این حرفها. اینها همه درست اما اگر برای لغو حجاب و آپارتاید جنسی که نصف انسانهای جامعه را اذیت میکند بر این رژیم فشار آورده شود و به عقب نشینی واداشته شود آیا اختناق در هر شکلش میتواند تاب بیاورد؟ به نظر من، نه.

مردانی که اینطور فکر میکنند یادشان میروند که با قرار گرفتن در کنار ما و مبارزه ما نیروی ما دو برابر و چند برابر میشود. مبارزه برای لغو حجاب و لغو جداسازی یعنی تیشه به ریشه رژیم اسلامی زدن. یعنی خلع سلاح کردنش و یعنی انداختنش.



گزارشی از سندج ابتکاری قابل تحسین از مبارزه با اعتیاد



روز پنج شنبه ۲۵ دی ماه برابر با ۱۵ ژانویه شهر سندج شاهد برگزاری مراسمی با شکوه بود که هزاران نفر در آن شرکت داشتند. انجمن "معتادین خود معرف" شهر سندج عصر پنج شنبه با برگزاری سمیناری در تالار نستر در رابطه با اعتیاد و عوامل آن به اعتیاد و دلایل روی آوری جوانان به اعتیاد را بررسی کردند. این انجمن توسط مردم با همکاری تعدادی از پزشکان و روانشناسان برای مبارزه با اعتیاد تشکیل شده است. در این سمینار شرکت کنندگان جوانب مختلف این معضل اجتماعی، دلایل روی آوری به اعتیاد را مورد بحث و بررسی قرار دادند. همچنین تعدادی از کسانی که قبلاً معتاد بوده و با کمک این انجمن ترک اعتیاد کرده اند، از سرنوشت خود صحبت کردند و دلایل روآوری شان را به اعتیاد را برای شرکت کنندگان تشریح کردند. قریب به اتفاق کسانی که اعتیاد را ترک کرده و در این سمینار

مطالعات تلاش میکنند درود میفرستد و زنان و دختران جوان را به صفوف جنبش آزادی زن در ایران فرا میخوانم. ۱۰ آذر ۸۲

**یک دنیای بهتر
برنامه حزب
کمونیست
کارگری را
بخوانید!**

محافل و جمعهای آگاه زنان و دختران جوان به وسعت جامعه، در محلات، مدارس، دانشگاهها، محیطهای کار و خانوادگی و دوستانه است. جلوه های اجتماعی آن، از در هم شکستن موانع حجاب و آپارتاید تا برپایی اجتماعات و مراسم تودهای است و این جنبش آزادی زن در ایران را تشکیل میدهد. این جنبشی است که به قطعنامه همایش سندج رأی داده که خواستار لغو آپارتاید جنسی و قوانین تبعیض آمیز علیه زنان شده است. در اینجا به همه آن زنان و مردان آزادیخواهی که برای تحقق این

نظر من جنبش آزادی زن همزمان علیه مذهب و علیه ناسیونالیسم هم هست. جنبش آزادی زن در ایران فارغ از مذهب و زبان و قومیت جنبشی سراسری و انسانی است و با اسلام و رژیم اسلامی سر سازش ندارد. اسلام، اصلاح شده و نشده اش با منافع انسانی زن هیچ توافقی نداشته و بطور کامل ضد زن است.

ایسکرا: قبل از اینکه تحرکاتی بنام اصلاحات و یا حرف از حقوق زن از زبان اینها به میان آید مبارزه زنان برای آزادی وجود داشته است. در مورد اشکال و جلوه های بروز این مبارزه توضیح دهید.

رویا مسعودی: عکس العمل زنان به رژیم تبعیض و آپارتاید جنسی و به قوانین و شرع آن ابعاد بسیار وسیعی داشته و دارد. اشکال بروز اعتراض زنان به وضع موجود در خانواده، در محلهای کار، در کوچه و خیابان و در جامعه بسیار متنوع است. آنها از هر فرصت و راهی استفاده کرده و میکنند تا قوانین و مقررات ضد زن رژیم را زیر پا بگذارند. به نظر من تلاش زنان علاوه بر مبارزه با خرافات و قوانین رژیم حتی تا آنجا که میکوشند در جامعه حضور مؤثر داشته باشند، به دانشگاه بروند، شغل داشته باشند و به نوعی استقلال دسترسی پیدا کنند، هم تماماً" علیه نظامی است که سالهاست میخواهد زنان را از یک موقعیت انسانی و شخصیت مستقل محروم کند. نسل جوان، پیشرو این اعتراض همه جانبه به اسلام و رژیم است. فرهنگ مدرن این نسل، روابط آزاد، پوشش متنوع و مغایر با حجاب اسلامی و غیره... فقط جلوه هایی از این واقعیت مبارزاتی و اعتراض این نسل است. این نسل علاوه بر شرایط سخت و موانع و محدودیتهای فراوان سنتی، ارتجاعی، مذهبی و ناسیونالیستی، دیگر برای اسلام و جمهوری اسلامی تریه خرد نمیکند. نسل جوان دختر و پسر، در عمل و در زندگی روزمره شان مرز آپارتاید جنسی رژیم را شکسته، حجابش را مسخره کرده و یک نوع زندگی و روابط کاملاً مغایر با ارتجاع و اسلام را الگوی خود قرار داده است. الگوی زندگی نسل جوان، فرهنگ، تمدن و مدرنیسم غربی است. همانطور که قبلاً اشاره کردم

مصاحبه با رویا مسعودی

آزادی زن برای لغو حجاب و آپارتاید جنسی و در مقابل رژیم اسلامی قرار ندارد. فمینیسم میخواهد نگاهها را به جای این واقعیات تلخ و دردناک متوجه جنس مخالف (مردان) کند. گویا مسبب نابرابری زن و مرد، مردان هستند، نه اسلام و رژیم سیاسی و سیستم آپارتاید موجود... و این نه تنها نفعی در بر ندارد، ضرر هم میرساند. بطور خلاصه فمینیسم جنبش آزادی و برابری زن و مرد نیست...

ایسکرا: تحرکات ۲ خرداد و ناسیونالیسم کرد در کردستان، در سالهای اخیر، در رابطه با مساله زن چگونه بوده است. آیا حرفی برای زنان دارند؟

رویا مسعودی: جریانی که میگوید جمهوری اسلامی و اسلام بد نیست و این مسئولین هستند که در انتخاب راهکارها به بیراهه میروند، آیا میتوان گفت که این جریان حرفی برای زنان دارد؟ این گروه هذیان میکوبند. سیستمی که در آن زن جنس دوم است، آزادی وجود ندارد، خفقان بیداد میکند، استثمار، فقر، فلاکت، فساد، اعتیاد و بیکاری روزگار مردم را سیاه کرده آیا میتوان گفت سیستم قابل اصلاحی است؟

ته ماندهای جنبش اصلاحات مشغول انجام امور خیریه، و باصطلاح خودشان حمایت از زنان آسیب دیده و یا آسیب پذیر اجتماعی هستند. آخرین نخبه این جریان شیرین عبادی است که میخواهد آزادی، حقوق بشر و حقوق زن را با اسلام ضد آزادی، ضد بشر و ضد زن آشتی دهد. آتیم درست در زمانی که مردم کمر همت به نابودی رژیم، با اسلام و شرع و قوانینش بسته اند.

ناسیونالیسم از هر نوعش، کرد، ترک، فارس و غیره ... تا مغز استخوان آلوده به مذهب، ارتجاع و عقب ماندگی است. در این تفکر ناموسپرستی فضیلت است. تمام فعالیت و هنر ناسیونالیستهای کرد تا آنجا که به مسئله زن مربوط است این است که لباس و رقص کردی را تبلیغ و تقدیس کنند و آموزش دهند، زبان اصیل کردی را یاد بدهند. در حالیکه لباس محلی زنانه کردی دست کمی از حجاب اسلامی ندارد. زن در فرهنگ ناسیونالیستها با یک درجه تخفیف نسبت به جمهوری اسلامی، کماکان درجه دو، وابسته به مرد و ناموس ملت است. به

من فکر میکنم هیچ مردی از مردسالاری و تبعیض علیه زن نفع نمیبرد. میدانم مردسالاری کثیف است و تنها آزارش برای زن نیست بلکه برای مرد هم آزاردهنده است و هم مایه شرم. متأسفانه مذهب و بخصوص رژیم اسلامی و قوانین شرعش پشتوانه پدیده کثیف مردسالاری هم هست و مردانی که اسیرش میشوند آگاهانه یا ناآگاهانه آب به آسیاب این رژیم میریزند و البته مایه دردسر زیاد ما هم هستند، چه در خانواده و چه در جامعه. و باز متأسفانه کار ما مشکل میشود که از طرفی با قوانین و شرع و پلیس رژیم روبرو هستیم و هم با ارتجاع مردسالار و موانعی که بر سر راه زنان و بخصوص دختران جوان بوجود میآورد. این وضعیت لبه تیغ مبارزه ما علیه رژیم را کند میکند. ما را اذیت میکند، دختران جوان مارا اذیت میکند و مانع پیشروی سریع ما به سوی لغو حجاب و آپارتاید جنسی میشود. ما زنان در ایران در موقعیتی قرار داریم که بیشتر از هر زمان به احترام و مساعدت همسران، پدران و برادران خود و همه مردان آزادیخواه احتیاج داریم. زنان در ایران به اندازه کافی آماج خشونت اسلامی رژیم هستند که دیگر خشونت در خانواده و جامعه و یا هر گونه بی احترامی مضاعف قابل قبول و تحمل نباشد. من امید دارم که همه مردان ما از همسران و پدر و برادر و همکاران و هم محللهایمان در کنار ما قرار بگیرند تا ما جراتمان بیشتر شده و روسریها را که حالا در نوک سرمان میگذاریم تماماً دور بیندازیم و این تبعیض جنسی کثیف را با گذاشتن دستهایمان در دستهای همدیگر زیر پا بگذاریم.

ایسکرا: به نظر شما فمینیسم چقدر پاسخ زنان در مقابل نظام مردسالار است؟ آیا به قول شما همین اندازه سکوت یا بی تفاوتی مردان در مقابل تبعیض و آپارتاید جنسی فمینیسم را توجیه نمیکند؟

رویا مسعودی: خیر، فمینیسم پاسخ معضل اجتماعی حاد ما نیست. جنبش زنان در ایران درست است که دشمن قدیمی تر مردسالاری را اینبار خشن تر، کماکان در مقابل خود دارد، اما دشمن حی و حاضری که بیش از دو دهه است خون زنان را در کاسه کرده و تحقیر آمیزترین موقعیت را به زنان تحمیل کرده، رژیم اسلامی است. فمینیسم در صف جنبش

تدارک حرکات وسیعتر

(ادامه از صفحه ۱)

نساجی کاشان، تجمع اعتراضی کارگران فرش گیلان، تجمع اعتراضی کارگران شرکت پارس ایران، اعتصاب کارگران شرکت لامیرال، اعتصاب کارگران شرکت احیاء گستر وابسته به ایران خودرو، اعتصاب کارگران شرکت ابزار یراق ورامین در همین دو هفته اخیر از جمله دهها مورد از تجمع و اعتراض کارگری بوده اند که مواردی از آن به روزنامه های جمهوری اسلامی راه یافته اند. در کنار تجمعات اعتراضی کارگران، ما شاهد اعتصاب و اعتراض معلمان نیز برای احقاق حقوق خود هستیم، دیروز در اصفهان، امروز در تهران و در دیگر شهرهای ایران که طی آن معلمان خواستار رسیدگی فوری به خواستههایشان شده اند. این حرکات اعتراضی در واقع، حرکات اولیه این بخش عظیم از جامعه است برای پایان دادن به بی حقوقی مطلق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ای که ۲۵ سال است جمهوری اسلامی بر اکثریت مردم ایران تحمیل کرده است. ترس از بیکاری، ترس از گرسنگی و مصائب و فجایع ناشی از آن واقعی است و ۲۵ سال است بریلای سر کارگر، خانواده های کارگری و جوان بیکار آویزان است. چند نسل از این طبقه بر اثر بیکاری و فقر و فلاکت ناشی از آن نابود شده اند، بقیه هم بهر دری که میزنند جز امروز و فردا کردن از سرمایه داران و کارفرمایان و تهدید و ارباب سران و مقامات رژیم اسلامی جوابی نمیگیرند. پرداخت حقوق و مزایا گاهی آنقدر عقب میافتد که معلوم نیست گیرنده آن بر اثر گرسنگی کشیدن زنده مانده باشد تا بتواند آن را دریافت کند. از بیمه بیکاری مکنفی نه تنها خبری نیست، حتی جایی هم که بیمه بیکاری محدود و ناچیزی میدهند، دولت و کارفرما آنقدر از پرداختن حق بیمه کارگر به شرکت های بیمه خودداری میکنند که بیمه کارگر قطع میشود. شدت کار، دستمزدهای بسیار پائین، اضافه کاری بیش از حد، حتی عدم پرداخت اضافه کاری اجباری،

نشانی خواهد داد اما در مقابل فشار وسیع تر کارگران و معلمان و همبستگی مبارزاتی مردم ناچار از عقب نشینی خواهد شد. در این شرایط حتی هر تک مبارزه و اعتراض کارگران و معلمان بر سر هر میزان از حق و حقوق خود اهمیت زیادی دارد و باید اهمیت آن را در شرایط متحول سیاسی فعلی از یاد نبرد. ادامه و گسترش تجمعات اعتراضی در این دوره و در این روزها، حیاتی است. تداوم آن حتی در خود نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. طبقه کارگر در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی سرانجام نیروی خود را برای یکسره کردن کار جمهوری اشکال مبارزه و اعتراض فعلی در واقع تمرینی است مقدماتی برای وارد شدن طبقه کارگر در این مقیاس. باید تداوم آن را حفظ کرد، آن را تشدید و گسترش داد، هم بخاطر کسب هر درجه از حقوق روزانه و کاری کارگران و هم برای گسترش نیرو و وارد شدن نهایی علیه جمهوری اسلامی. بقیه جمهوری اسلامی و کارفرمایان را باید ول نکرد و حق و حقوق روزانه خود را از گلولی آنان باید در آورد. به نداریم باید تن نداد، وعده و وعید را باید پرت کرد توی صورت ریا و تزویرشان. جمهوری اسلامی و کارفرمایان باید بدانند که کارگران، معلمان و دیگر مردم معترض دست بردار نیستند و از حق خود کوتاه نمی آیند. این مبارزات در ادامه خود بطور قطع از پشتیبانی و حمایت کارگران دیگر بخشها، و دیگر توده مردم معترض به جمهوری اسلامی برخوردار خواهد شد. در کنار ادامه و گسترش این تجمعات اعتراضی، مبارزه دانشجویان، مبارزه زنان و جوانان نیز گسترش خواهد یافت، همبستگی مبارزاتی مردم سرنگونی طلب گسترش خواهد یافت، در عوض رژیم اسلامی متشتت تر خواهد شد و مردم سرنگونی طلب در ابعاد وسیع تری برای درهم کوبیدن آن وارد میدان خواهند شد.

نامه سیاوش مدرسی مسئول دفتر ایران نهاد اول کودکان، به مسئولین یونسکو در مورد مراقبت کردن از کودکان بی سرپرست در فاجعه زلزله بم

اول کودکان

کمپین بین المللی دفاع از حقوق کودکان

Children First
International Campaign for
Children's Rights

خانم کرول بلامی گرامی

اقدام شما و یونیسف در زمینه مراقبت از جان ۷۰۰۰ کودک بی سرپرست در جریان حادثه تاسف آور زلزله بم را مورد حمایت قرار میدهیم.

حقیقت این است که با استناد به گزارشات دریافتی از روزنامههای وابسته به دولت ایران بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ کودک بی سرپرست در جریان حادثه زلزله بم ربوده شده اند و امکان سو استفاده جنسی و یا فروش کلیهها و یا دیگر اعضای بدن آنها قویاً موجود است.

پیشنهاد ما به یونیسف این است که لیست کاملی از این کودکان تهیه شود و امکان انتقال آنها به اروپا و یا امریکا فراهم شود.

قطعاً شما هم با ما هم عقیده هستید که این کودکان با توجه به صدماتی که با از دست دادن والدینشان تحمل کرده اند شایسته بهترین مراقبتها هستند.

با احترام

سیاوش مدرسی

تلفن: ۹۲۵ ۴۶ ۲۸ ۱۷۲ ۰۰۴۹

ای میل:

siamodarresi@yahoo.de

سایت:

www.childrenfirstinternational.org

به

حزب کمونیست

کارگری پیوندید!

قدرت مردم و کابوس مرگ حکومت دینی ایران در حاشیه اوجگیری بحران انتخاباتی حکومت

عبدالله دارابی

میتوان گفت دوره کنونی، دوره کابوس مرگ سران جنایتکار جمهوری اسلامی است. دوره اضطراب و پریشانه‌حالی آدمکشان به جا مانده از عصر عتیق است. خطر فاکتور دخالتگری مردم آزادخواه در صحنه سیاست ایران، سران ریز و درشت رژیم را چنان در خود فرو برده که هر رویه‌داری را به کابوس مرگباری در مقابلشان تبدیل میکند.

دخالتگری سیاسی فعال مردم در طول تاریخ همواره بعنوان قوی‌ترین و براثرترین اهرم فشار در افشا کردن و نشان دادن ماهیت واقعی حکومت‌های استثمارگر و مستبد عمل کرده، تمامی رشته‌های آنان را پنبه نموده، رازهای پشت پرده و جنایات ضد انسانی آنان را یکی پس از دیگری بر ملا ساخته و سر انجام آنان را کنار زده و از صحنه سیاست پاک کرده اند. وقتی نیروی قدرتمند مردم ابزار وجود بیرونی پیدا میکند، تضاد و اختلافات درون حکومتی از ده‌ها منفذ سر به بیرون میزنند، منافع فردی و گروهی درون حکومتی اوج میگیرد، بجان هم‌دیگر میافتند و سرانجام به توطئه‌گری و قربانی گرفتن از هم‌دیگر می‌رسند. این خصوصیت را میتوان در دوران سقوط اکثر حکومت‌های مستبد و مرتجع مشاهده کرد. چنین سناریو را میتوان در دوره سقوط رژیم شاه هم ردیابی کرد که تعداد زیادی از مخلصان و نزدیکان دربار سلطنت از نخست‌وزیر و رئیس ساواک گرفته تا سران ریز ترشان بفرمان خود شاه دستگیر و سپس قربانی گردیدند.

اوجگیری بحران انتخاباتی مجلس هفتم را نیز میتوان بعنوان یکی از نمونه‌های بارز خصوصیت این دوران بحساب آورد که سیر روند تشدید آن بی شک تا سرنگونی قطعی رژیم ادامه خواهد یافت.

چرا جناح‌های درون حکومتی در چنین شرایط بحرانی بجان هم افتاده‌اند؟ ظاهراً قضیه در زورق "عدم وجود

نگرفت و هیچگاه آلترناتیوی در مقابل جناح راست نبود. اکنون شکست مفتضحانه این پدیده و ناتوانی رژیم در مقابله با اعتراضات روز افزون مردم، دو باره آنها را بیاد سیاست‌های شکست خورده و آزمایش شده خود و داشته تا با خیال خود بتوانند با مهار مبارزات مردم، چند سالی دیگر بر ثروت و هستی مردم ایران لم دهند. تا جاییکه به خود این بحران بر میگردد، اساسی‌ترین عامل شکل دهنده این بحران، خود مردم هستند که با مبارزات روزمره خود در کارخانه‌ها، دانشگاه و مدارس و خیابانها و محلات شهرها و... کل موجودیت رژیم را زیر سؤال برده اند و برای سرنگونی آن روز شماری میکنند. جناح راست بدستی بر این نکته واقف است که مردم خیلی وقت است از دوم خرداد عبور کرده و این جنبش از نظر مردم عملاً مرده‌ای بیش بحساب نمی‌آید و دیگر کسی برایشان تری خورد نمیکند. ولی از نظر جناح راست، دوم خردادی‌ها هنوز به شیوه‌ای قابل استفاده هستند که در ادامه بحث به آن خواهیم پرداخت. علاوه بر این فاکتور، عوامل فرعی تری تاثیر گذارنده بطور فشرده به آن می‌پردازیم:

حکومت ایران و جناح راست آن کم خواهد شد. با توجه به این نکات، جناح راست موقعیت بین المللی حکومت اش را به نفع خود ارزیابی نموده نتیجتاً بر این پندارند که بابت حمله به "اصلاح طلبان" هم فشار زیادی از طرف دول غرب بر آنها وارد نخواهد شد. با توجه به همه اینها جناح راست تصمیم گرفته و حمله را از مجلس شروع نموده و در نظر دارد این بار اکثریت مجلس هفتم را از چنگ "اصلاح طلبان" خارج سازد و مجلس مشکل آفرین گذشته را به نفع جناح خود تغییر دهد و بدینوسیله "جناح اصلاح طلب" را به موقعیت یک اقلیت کوچک تر مطیع تر و در عین حال رام شده تر عقب براند. منتها این امر از نظر جناح راست بمعنای تمام کار و یا حذف کامل دوم خردادی‌ها از صحنه قدرت نیست. بنظر من استفاده ابزاری از آنها توسط جناح راست هنوز ضرورت دارد. هنوز رژیم در تقابل و رویا رویی خود با مبارزات مردم، به مهره‌هایی از آنان احتیاج دارد. رژیم اسلامی ایران برای بقای خود هنوز به کسانی چون شریین عبادی و مهره‌هایی چون خاتمی‌ها، گنجی‌ها، حجارینها و... احتیاج دارد. مضاف بر این، دو خرداد، یک دوقلو و همزاد در میان اپوزیسیون پرو رژیم دارد که تازگی نمایش "همایش جمهوریخواهان" را راه انداخته اند و به هر حال نیروی ذخیره‌ای برای رژیم اسلامی در روزهای "تنگنا" هستند. یک خیل با "سرمایه" هنر و فرهنگ ملی اسلامی و سرشار از عشق به دیالوگ با اسلام سیاسی را چرا مفت از دست بدهند؟ بنا بر این ارزش مصرف درونی دوم خردادیها برای جناح راست هنوز به پایان نرسیده چون حذف یکباره آنها از مسند قدرت، رژیم آدمکش جمهوری اسلامی را در مقابل مردم بمراتب ضعیف تر و شکننده تر خواهد کرد و راه را برای حمله نهایی مردم به رژیم هموار تر خواهد کرد. جناح دوم خردادی‌ها هم خود به این امر واقف اند و میدانند در کل اوضاع به نفعشان نیست و از قدرت فریب و تحمیل گذشته خود نا کام مانده اند و دیگر کسی به آنها اعتنا نمیکند و به فرمان آنها دانشگاه‌ها و خیابانها را شلوغ نمیکند و... بنا بر این اقدامات تاکتونی آنها تدافعی است و به انتظار بذل توجه رهبر

و مدح و ثنا گویی او در مجلس زانو زده و در حالت گدایی کامل بسر می‌برند و اگر جناح راست اجازه دهد به حفظ وضع موجود راضی هستند و ملا کرویی هم عموماً بر این محور می‌چرخد. کما اینکه محور اظهارات همه سران "متحصنین" در مجلس، از محمد رضا خاتمی گرفته تا بانوی محجبه و باتقوا کولانی این بوده است که که آنها نمی‌خواهند به "امنیت نظام" کمترین لطمه‌ای وارد آورند.

با توجه به نکات فوق، مردم علی‌العموم نشان دادند که به این جدال درون حکومتی بی تفاوتند چون طی ۲۵ سال اخیر، سران هر دو جناح رژیم را در راس همه جنایات رژیم اسلامی دیده‌اند و بحق آنان را دشمنان واقعی خود بشمار می‌آورند. مردم بر این امر نیز واقف اند که در جنگ جناح‌های درگیر برنده‌ای در کار نیست و هیچ معامله و بند و بستی رژیم بحران زده را از دست مردم مبارز و بجان آمده نجات نخواهد داد. مردم با بی تفاوتی خود در رابطه با اوجگیری تازه کشمکشها، خوشحالی خود را از شکاف بین دشمنان خود نشان میدهند. پشت سر نهادن این بحران در هر شکل و شمایل که باشد باز رژیم بحران زده تر و بمراتب ضعیف و شکننده تر از چند هفته قبل را خواهیم دید، چون مردم بشدت از آن بیزار و متفرند و برای سرنگون کردن هر دو جناح و کل سازماندهندگان این ماشین جنگی در کمین نشسته و برای رسیدن به آن روز شماری میکنند. مردم باید از همین امروز تا روز برگزاری مضحکه انتخابات، از هر فرصتی برای برآه انداختن اعتراضات، تظاهرات‌های خیابانی و... استفاده نمایند و با حرکات جمعی و قدرتمند خود رژیم را بیش از پیش ضعیف تر و ناتوان تر سازند. هم اکنون اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگران و معلمان در سراسر ایران در جریان است و روز بروز در حال گسترش است. مردم آزادخواه بایستی به هر نحو ممکن این اعتصابات و حرکات اعتراضی را تقویت نمایند، به آن بپیوندند و با دخالت و شرکت فعال خود در آن، این صف آزادیخواهی و برابری طلبی را نیرومند سازند.

از سکولاریسم دول اروپائی تا حجاب اسلامی

(ادامه از صفحه ۱)

با استناد به قوانین موجود در کشورهای اروپایی که آزادی مذهب و سمبل های مذهبی را تضمین کرده است، یک رویارویی مهم و اساسی کل دنیای متمدن و سکولار را با اسلام سیاسی و هوادارانش رویاروی هم قرار داده است.

یک نگاه کوتاه به اتفاقاتی که طی هفته گذشته در کشورهای اروپایی افتاد، برای هر ناظر و بیننده خارجی سوالات زیادی را مطرح کرده است، سوالاتی از این قبیل که تا کجا و تا چه اندازه سیستم های سیاسی موجود در کشورهای اروپایی واقعا سکولار بوده و هستند؟ مذهب و جنبش های سیاسی مذهبی تا کجا باید تحمل شوند؟ تحركات سیاسی و تاکتیك احزاب و باندهای ارتجاعی در تعرض به حقوق شهروندان تا کجا پیش خواهد رفت؟ دولتهای "سکولار" اروپایی برای مقابله با این پدیده تازه سیاسی که در مهد دموکراسی های دنیای متمدن" شکل گرفته و هدایت می شوند، چه خواهند کرد؟ و بالاخره بشریت متمدن و سکولار و مدافع برابری برای رویارو شدن با این اتفاقات چه خواهد کرد؟ و بالاخره صحنه گردان این تقابل با مدنیت یعنی اسلام سیاسی در کدام اوضاع گرفتار آمده است و در پی گرفتن چه امتیازاتی از "شراکای اقتصادی" خود در دولتهای غرب است؟

اینها سوالاتی هستند که در برابر دولتهای اروپایی از یک طرف و کل بشریت متمدن از طرف دیگر قرار گرفته اند. پاسخی که دولتهای اروپایی از فرانسه و آلمان، تا انگلیس و دانمارک و بلژیک به این تحركات احزاب اسلامی داده اند، ظاهرا "مخالفت" با استفاده از حجاب اسلامی در اماکن عمومی و مدارس می باشد. موضعی که ظاهرا با استناد به لاتیسم و سکولار بودن سیستم های سیاسی و حکومتی کشورهای اروپایی بنا شده است. اما همین اعلام موضع کافی بود تا کل اسلام سیاسی و طرفداران حجاب اسلامی را به خیابانها بکشاند تا از "حقوق قانونی شان دفاع نمایند". بی دلیل نیست که در اعلامیه ها و اطلاعیه هایی که از طرف جریانات

امپریالیستشان" را می بینند، شکی نیست. برای این دار و دسته ها استفاده از هر امکان و پوششی برای "مبارزه" با ارزشها، ایده آلهای جوامع بورژوازی غربی که گویا سمبل "راسیسم، و نقض حقوق مسلمانان" را در خود نهفته دارد، بهترین زمان است که با حمایت از ارتجاع اسلامی و حجاب اسلامی و در مخالفت با دولتهای "سکولار اروپایی"، با این جریانات بر علیه توطئه ها و نقشه های دول اروپایی نسبت به "ملل جهان سوم" یکی شده و از حق و حقوق شهروندان مسلمان" دفاع نمایند. در فضا و جو بوجود آمده ارتجاع اسلامی با سمبل حجاب اسلامی و "مبارزه" برای رفع ممنوعیت استفاده از حجاب، کل جبهه احزاب و جریانات چپ سنتی، رژیم جمهوری اسلامی و هواداران تنوری ارتجاعی "نسبیت فرهنگی" و بخش هایی از دولتهای اروپایی را در یک جبهه قرار داده است. این جبهه ارتجاعی و راسیستی است که خواسته و نخواستته طرفداران آزادی استفاده از حجاب اسلامی را به میدان آورده است. در این میان مخالفان استفاده از حجاب اسلامی و بر چیدن سمبل های مذهبی از زندگی مردم علیرغم اینکه اکثریت مردم این جوامع را تشکیل می دهند، در برابر این تعرض یا ساکت بوده و یا به موضع دفاع "تکستی" از قوانین "سکولار" موجود پرداخته و در صدد بوده و هستند مسئله را سیاسی ننمایند، مواظب رفتارهای خود باشند، مواظبند با برجسپ "توهین به مذاهب و یا احیاناً راسیسم" تداعی نشوند، در نظر دارد همه چیز را به مجراهای تفاسیر از تکست قانون ارگانیزه نماید. این سیاست دست به عصا راه رفتن توسط مخالفین استفاده از حجاب اسلامی و سمبل های مذهبی، جریانات اسلامی را جری تر کرده و تعرضاتشان را گسترش داده است. سکولاریسمی که در برابر این تعرضات به سنگر قانون و دفاع از ارزشها پناه می برد، ضعیف است، قدرت بسیج و سازماندهی مبارزه بر علیه توحش اسلامی را ندارد، محتاط است، ترس دارد، نگران خوردن انگ راسیسم را دارد، مسئله را سیاسی نمی بیند، در نتیجه فقط اعلام موضعی کاغذی دارد و حداکثر خواهان "دیالوگ" است، طرح "دیالوگ تمدنهای آخذند خاتمی

زیاد هم بی زمینه نبوده است! دولتهایی که از زبان سخنگویانشان مخالفتشان را با استفاده از حجاب اسلامی اعلام کرده بودند، دارند "فکر" می کنند و به ارزیابی حوادث هفته ای که گذشت می پردازند. هر چند حساب مردم مترقی و سکولار و برابری طلب از دولتها و قوانین جدا است، ولی واقعیت این است که دولتها هنوز که هنوز است روی این افکار تاثیر داشته و به نوبه خود سعی داشته و دارند مردم را در صف خودشان آورده به دنبال سیاستهایشان به خط نمایند. بشریت متمدن و مدافع جدایی مذهب از دولت و عدم دخالت مذهب در آموزش و پرورش و در زندگی خصوصی انسانها، مخالف اعدام و سنگسار، مخالف احیای قوانین قرون وسطی، دوره به تاریخ سپردن یک تازی کلیسا و مذهب بر علیه آزادیخواهی و عدالت طلبی، امروز در برابر یک امر مهم قرار گرفته است و باید به آن پاسخ بدهد. امر دفاع از جدایی مذهب از دولت و عدم دخالت مذهب در آموزش و پرورش، جلوگیری از طرح و تصویب قوانین ضد انسانی مذهبی از حجاب اسلامی تا دخالت مذهب در شئون زندگی مردم، فقط با اعلام موضع نمی شود. نمی شود مذهب و جنبش های مذهبی را که در سایه به راست چرخیدن سیاستهای حاکم بر جولم غربی دور تازه ای از حیات سیاسی و کثیفش را دارد سازمان می دهد، مبارزه کرد. باید جنبش سکولاریستی، جنبش رهایی بشریت از جهل و خرافه مذهبی، جنبش کوتاه کردن دست مذهب از تمام گوشه و زوایای زندگی بشر را دوباره فراخوان داد. باید در برابر هر گونه تحرک و تعرض مذهب در کل و اسلام سیاسی بالاخص و بازگشت دوباره ارتجاع و راسیسم، میداندار شدن مذهب و اسلام سیاسی با سمبل هایش نظیر حجاب اجباری، سنگسار، قصاص قاطعانه ایستاد و مبارزه کرد. باید جلوی هر گونه سمبل، ظواهر مذهبی، تصویب قوانین ارتجاعی در دفاع از بازگشت قرون وسطی زیر عنوان "آزادی مذاهب" و دادن امتیاز به این جریان پوسیده ایستادگی کرد. باید مطالبه سکولاریسم، کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم را دوباره باز تعریف کرد. باید گفت و نشان داد که مذهب از هر نوعش، اسلام و مسیحیت و

یهودیت و .. سد راه رهایی بشر و رسیدنش به آزادی و بی مذهبی می باشد. به راه انداختن جنبش مبارزه با اسلام سیاسی و جنبش ضد مذهبی امر کمونیستها، سوسیالیستها، امر بشریت تشنه رهایی و آزادی می باشد. این خواست و مطالبهای بی نهایت قوی و یخشا نهادینه شده در کشورهای اروپایی می باشد. باید مواضع، شک و تردیدهای این جنبش بر سر برخورد به مذاهب و اسلام سیاسی را نقد و برطرف کرد. باید آن جنبشی را که تضمین کننده جدایی مذهب از دولت می باشد را، سازمان داد. باید گفت که ارتجاع و اسلام سیاسی بیش از دو دهه است که در ایران و افغانستان، در نیجریه، الجزایر، در سودان و پاکستان صدها هزاران نفر را با قساوت و بی رحمی اسلامی اش به خاک و خون کشیده است. باید گفت که حجاب اسلامی فراتر از یک تکه پارچه و یک سنت می باشد. باید گفت که حجاب اسلحه تازه حدادی شده این جریانات ضد انسانی برای اعلام جنگ شان بر علیه تمدن، آزادی و آزادیخواهی، بر علیه کودکان و زنان، بر علیه روابط آزاد و انسانی بشریت بدور از تعلق مذهبی و ملی، بر علیه حقوق جهاننشین انسان، بر علیه ایده برابری طلبی و رهایی بشر می باشد. حجاب اسلامی و استفاده از سمبل های مذهبی در یک کلام اسلحه جنگ و نبرد این باندها با کل بشریت متمدن و مدافع آزادی می باشد. باید برای دفاع از دستاوردهایی که بیش از دو قرن بشریت در مبارزه اش بر علیه مذهب و دیکتاتوری های کلیسایی و اسلامی بدست آورده و بخشا تثبیت کرده است، به پا خاست و جلوی تعرض مذهب از هر نوعش را بر علیه این دستاوردها به عقب زد. نباید اجازه داد با این تحركات احزاب و باندهای تروریست اسلامی، اسلام سیاسی و ارتجاع عریان در خارج کشور دست بالا را پیدا نمایند. این اراده بشریت متمدن باید بتواند مغز و راس اسلام سیاسی در قدرت و بند و بست و معامله با آنان را تحت عنوان عوامفریبانه و شیدانه رعایت و احترام به "حقوق مردم مسلمان" نشانه رود.

۲۸ دی ۱۳۸۲

۱۸ ژانویه ۲۰۰۴
